



بانه : قسمتی از شهر برای مدتی به کنترل پیشمرگان کومهله درآمد،
خادمی مسنول سپاه پاسداران کشته شد.

● در اثر حملات پیشمرگان کومهله، جاشها مجبور شدند برای دومین بار غسل تفرخورد را تغییر دهند.

مهبادی : ستون بزرگ ارتش و پاسداران بکمین پیشمرگان کومهله و دمکرات
افتاد.

● چند روستای شمیران، بوسیله بمب‌های نابالم و راکت
فانتومهای جمهوری اسلامی به آتش کشیده شد.

سندج : در اثر حمله پیشمرگان کومرله بر یک ستون ارتشی در نگاه خود روزیل "نمدم، ۵ نفر کشته و صدهای زخمی شدند.

گامیاران : ستون اعزامی برای سرکوب مردم روستای "الک" با مقاومت پیشمرگان مجبور
به عقب نشینی شد.

اشنویه : پایگاه پیر ناصر، در زیر ضربات سلاحهای سنگین پیشمرگان کومهله.

سردشت : طی یک نبرد سخت در سه راهی "بزیله" دو پیشمرگ دمکرات و یک
پیشمرگ کومهله بشهادت رسیدند.

شهرها و روستاهای خوزستان در اثر تجاوز رژیم بعث به

ویرانی کشیده میشوند، رژیم ایران نیز همچنان به کشتار عام در

کردستان ادامه میدهد.

همهپنهان مبارز!

باشغال خود در آورده و در تلاش است آنرا برای
دست یافتن به امتیازاتی درهای میزد اگر حفظ
نماید. رژیم ایران که خود عامل متری در آغاز این
جنگ وحشیانه بود مناطق سکونی شهرها و روستاهای
عراق را بسیاران میکند و در همان حال با وقاحت تمام
دما زحمایت از "ستضعفین" عراق میزند.

هرد و هیات حاکمه که وحشیانه ترین شیوه‌ها را در
جریان سرکوب خلقها و زحمتکشان کشورهای خود
فرا گرفته‌اند. اکنون سعی میکنند همان توده‌های
سرکوب شده و تحت ستم را برای "نجات" مسودم
کشورهای هم‌بگر و در واقع برای دفاع از منافع طبقات

جنگ ویرانگر و ارتجاعی ایران و عراق با وحشیگری
و کشتار مردم بی‌دفاع هرد و کشور همچنان ادامه
دارد. نبرد از عرصه میدانگان ها و پایگاه‌ها به جنگ
در داخل شهرها و مناطق سکونی کشیده شده
است. روزانه صد ها نفر از مردم بی‌دفاع در هرد و طرف
بخاک و خون کشیده میشوند کارخانه‌ها و تاسیسات
صنعتی ویران میگردد و هزاران کارگر بیکار و آواره
شده‌اند. رژیم تجاوزگر بعث عراق قسمتهایی از خال
ایران را بقیمت خون صد ها نفر از مردم این مناطق

استثمارگر حاکم میدان های نبرد اعزام دارند .
 جنایتکاران بعضی با موشکهای مخرب زمین بزمین
 سلاحهای دیگر شهرهای خوزستان را هدف قرار
 میدهند و منی صدر مردم شهرهای عراق را آشکارا
 تهدید بکشتار میکند و عملاً بان دست میزند . در هر دو
 سو و این زحمتکشان و دیگر طبقات تحت ستم هستند
 که با رستگین این جنگ را بردوش دارند .
 امیرالاستیها و سیمادرتلاش بهره برداری از شرآ
 هستند که بقیمت خانه خرابی توده های مردم و کشور
 پدید آمد فاست . این سوداگران مرگ با حرص و ولع
 فراوان نظاره گزاین نبرد ویران کننده هستند تا باز
 سیل سلاحها و مهمات و تجهیزات نظامیشان را به
 سوی این کشورها سرازیر سازند و توده های ستمدیده
 خونینهای آنرا به حلقوشان بریزند .
 بحران اقتصادی و گرانی که بود کلیه ما بحتاج زندگی
 در هر دو کشور پیدا میکند و روزهای سرد زمستان
 بطور فزاین شرایط با زهم سخت تری را بر زحمتکشان
 تحمیل خواهد کرد . این مسئله بخصوص در کردستان
 ایران که با همه محاصره اقتصادی و از جانب رژیم
 جمهوری اسلامی بردوش دارد برای توده های بسیار
 طاقت فرسا تر است .

در چنین شرایطی رژیم ایران سرکوب و کشتار خلق
 کرد را از یاد نبرد و مبارزان و چهاره یاران شهرها
 و روستاهای کردستان را با وحشیگری بیش از گذشته
 همچنان ادامه میدهند . هر روز صحنه های مشابهی
 از کشتار و در خوزستان بدست بعثتیا و در کردستان
 بدست رژیم جمهوری اسلامی تکرار میگردد .
 لشکر ۳ و ارومیه طی آخرین اطلاعیه خود اعلام کرد :
 " در برابر هر خود رویکه ده را ویران میکنیم " .
 این همان رژیمی است که همزمان با بسیاری از
 مسکونی دما زحمات از مستضعفین عراق میزند .
 رژیم که این چنین در تلاش نابودی خلقهای بها
 خاسته کشور خود میباشد ، تحت هیچ عنوان قابل
 پشتیبانی نیست و زحمتکشان تنها با تکیه بر نیروی خود
 علیه هرگونه ستم و تجاوز متحد آبه مبارزه بر خیزند .
 ارتش و پاسدارانی که دستشان غرق در خون هزار
 مرد و زن و کودک و بیرو جوان در کردستان و دیگر
 مناطق ایران است چگونه میتوانند متحد قابل
 اعتمادی در جنبه نبرد با بعثتیا ایجاد و نگه دارند ؟
 رژیم که با همه ستم با محاصره اقتصادی و بستن همه
 راههای ورود و خروج سخت ترین شرایط ممکن را بر
 مردم کردستان تحمیل کرده است ، رژیمی که با
 جلوگیری از ورود کالاها از شهریه و روستاها و روستا شهر
 توده های وسیع زحمتکشان شهروند خاک سیاه
 نشاند فاست و اکنون برای حفظ حاکمیت سرعایت

داران و استثمارگران و سرکوبگران با زقیمت غشون
 همین زحمتکشان باید از بحران نجات داده شود ؟
 جنگ ایران عراق آشکارا موجب تشدید حکومت
 تروریستفان در شهرهای ایران گردید فاست ، هر روز
 دها نفر از مبارزین بوسیله رژیم دستگیر و روانه
 زندانها و شکنجه گاهها میشوند . آنها هیچ فرصتی
 را برای سرکوب آزادنها و سرکوب خلقها و سرکوب
 طبقه کارگر حتی در بحرانی ترین شرایط حیثات
 خود از دست نمیدهند و فضای کینه و نفرت ناشی از
 جنایات بعث عراق در جنوب ایران به وسیلهای برای
 عوامفریبی در جهت سرکوب مخالفان داخلی خود
 تبدیل میسازند . خمینی در یکی از بیامها پیش
 بمناسبت جنگ ایران عراق گفت :

" این اشها مر که ادعا میکنند و ادعا میکردند که ما
 طرفدار مظلومین هستیم . . . برای مردم ثابت
 شده همه این حرفها خلاف واقع بود فاست و الان
 که کشور ایران با حزب بعث متحذ در جنگ است از
 آنها هیچ خبری نیست و ما زهم به فساد هائی گنه
 اندیشه میکردند ادامه میدهند و لیکن بر ما ثابت
 شده که اگر سرکوبی دولت ایران بخواد شد سر آتش سارا
 بکند با یک پیورش همه آنها را از زمین میبرد . این هم
 یکی از خیراتی بود که برای ما از این جنگ تحمیلی
 حاصل شد "

عوامفریبانی که در سیخ نیروها چنین رژیم را
 یاری میدهند و سعی در کشاندن توده های تحمیت
 ستم زبرفرمان آنان دارند ؛ عملاً شریک همه جنایات
 هستند که هیئت حاکمه ایران مرتکب گردید فاست .
 ما زهم اکنون در تدارک تشدید و توسعه آن در داخل
 کشور میباشد . سازمان ماضمن مقاومت سرسختان
 انقلابی خود همراه با توده های خلقی کرد در مبارزه
 با هیئت حاکمه ضد خلقی ایران ، مسلماً بسیار بهتر از
 ارتش پویشالی و پاسداران ارتجاع از سرزمین ایران
 در مقابل هر تجاوز خارجی دفاع خواهد کرد .
 خلقی که توانسته است ماهها و در سخت ترین شرایط
 در مقابل یورش وحشیانه ارتش و پاسداران بکردستان
 مقاومت بیرومندانه ای راه پیش ببرد مسلماً در مقابل
 دشمن در برینه رستم خورده و خلقها و زحمتکشان عراق
 سر تسلیم فرود نمی آورند و در کردستان در مقابل
 تجاوزگران ایستادگی خواهد کرد .

پانجمه

● ۵۹/۷/۱۳ - شبانگاه این روز یک دسته از پیشمرگان
 کوهله (پل شهید حامد) وارد شهر شده و مقرها شها را
 با آرمی - جی و نارنجک انداز و سلاحه سبک مورد

مهاباد

● ۵۹/۷/۱۲ - در این روز ستونی مرکب از ۲۰ تنک و حدود ۲۰ ربهو تعداد زیادی جیب که بوسله د فرزند هلیکوپتر حمایت میداد از مهاباد به طرف میانسد و آب حرکت کردند که در ۵ کیلومتری مهاباد به کمین پیشمرگان کومله و د مکررات افتادند . در ساعت ۳ بعد از ظهر درگیری شدیدی آغاز گردید .

علیرغم رگبار کالیبر ۷۵ هلیکوپترهای پیشمرگان توانستند بعد از ۲ ساعت ستون را زیر ضربات سلاحهای خود بگیرند . در این عطیات تعداد زیادی از نیروها

دشمن کشته و یا زخمی شدند . همچنین یکی از هلیکوپترها مورد اصابت آتش ضد هوایی پیشمرگان کومله قرار میگرفت بطوریکه خلبان در پیسهم به فرمانده خود میگوید : " من تیر خورد هام و سرنشینان هلیکوپتر کومله نفره شدند زخمی شده اند و نمیدانم به ارومیه میرسیست یا نه "

در فاصله درگیری شلیک توپ و خمپاره باران باغات و روستاهای اطراف جاده از جانب ارتشیان مرتسبا جریان داشت .

در اینروز پاسداران ارتجاع در محله گمرک مهاباد دست به یک بیورش در دانه زدند و شخصی بنا نهاد را در داخل کوچه بدون هیچ دلیلی به رگبار بستند و او را به شهادت رساندند .

● ۵۹/۷/۱۵ - در این روز فانتومیهای جمهوری اسلامی روستاهای منطقه شهر پیران را با بمبهای ناپالم و راکت و مسلسلهای سنگین به آتش کشیدند و روستاهای " یوسفکند " و " گوگنه " چند خانه یکی ویران شد همزمان با این جنایات نیروی هوایی ارتشیان مستقر در یوسفکند بوسله توپ های دو رزن و خمپاره انسداز روستای قتلعه را بطرز وحشیانه ای زیر آتش گرفتند که در نتیجه آن چندین خانه ویران گردید .

پاسداران ارتجاع حدود ۲ نفر از مردم ساکن مهاباد را که در جبهه راه آزادی جمع شده بودند بدون هیچ گونه دلیلی دستگیر نمودند .

مهاباد

● ۵۹/۷/۱۵ - در ساعت ۵/۵ بعد از ظهر این روز در مسیر جاده سنندج - کامیاران بین " درکه " و " فرود " گاه سنندج یک ستون ارتش شامل ۱۲ خودرو و یک

خطه فرار دادند که در نتیجه قسمتی از ساختمان مقر فروریخت بطوریکه جاشها مجبوره تخلیه آنجا شدند . از میزان دقیق تلفات دشمن اطلاعی در دست نیست ، در این عطیات به پیشمرگان آسیبی نرسید و سالسبه پایگاههای خود بازگشتند . طی یکماه اخیر این دو بین باری است که در اثر حمله پیشمرگان کومله ، جاشها مجبوره تغییر مقر خود میشوند .

● ۵۹/۷/۱۵ - شبانگاه این روز و دستا ز پیشمرگان کومله (زین شهید عبدالله) وارد شهر شدند و در مسک عطیات هماهنگ کنترل قسمتی از شهر را بدست گرفتند سپس در میدان کارگر کمین پاسداران و جاشها نشستند .

در ساعت ۱ شب اتوبوس حامل پاسداران و جاشها کمین پیشمرگان افتاد که در اثر اصابت گلوله آرمی جی اتوبوس منفرد و کلیه سرنشینان آن کشته و یا زخمی

شد یکی از کشته شدگان " خادمی " مسئول سپاه پاسداران با نام بود . شخص مذکور از مرتجعینی بود که در مسدود اقامت خود در خانه موجب ناراضی تراوان مردم شهر شده بود . نا هرده در شکنجه واد بیت و آزار زندانسان روی در خیمان ساواک راسفید کرد مهود . میخاطبم رفقا و غیر انسانی و وحشیانه اش مورد نفرت مردم شهر بود به همین جهت این اقدام قهرمانانه پیشمرگان کومله و کشته شدن وی با استقبال و احساسات پر شور و شراوان مردم رو بر و شد تا جایی که خانه بخانه این خیمه راه شد بگرمزده میدادند . بعد از این عطیات پیشمرگان سالم به پایگاههای خود بازگشتند .

بدنیال این عطیات پاسداران و جاشها شهسرا با حصر و از ورود و خروج مردم جلوگیری کردند و مهاباد را معازل برداختند و تاکنون در حدد ۷ نفر را دستگیر نموده اند .

● ۵۹/۷/۱۸ - در این روز دو نفر از اهالی روستای " کله هسوزن " در مسیر جاده مهاباد - سردشت هنگامی که بمحفل لاشه خود رو حامل مهمات ستون ارتشی گسه چندی پیش در این محل بر اثر تیراندازی پیشمرگان منجر شده بود نزد یک شدنده و با کتجک وی مشغول با زوسی اشیا باقی مانده بودند ، بر اثر انفجار ناگهانی مواد منفجره یکی از آنها کشته و دیگری زخمی شد . در همین محل تاکنون حوادث شامسی چهر آمده و منجر به زخمی شدن چندین نفر گردیده است .

روستایان زخمکش

از نزد یک شدن به لاشه خود روهایی منهدم شده است ستون انزای با نه سردشت خود داری کنید . با مشاهده اشیا مشکوک به آن دست نزنید و بلافاصله وجود آنرا به پیشمرگان اطلاع دهید .

بیشترگان کومله (پل شهید جلال) افتاد. پیشمرگان

با آبی جی وسلاحهای سبک ارتشیان پاسداران را جتان مورد حمله قرار دادند که تا مدتی افراد دشمن فرصت نبراندازی متقابل را نداشتند. در این درگیری ۳ خود روارتش (زیل) منهدم گردید و ۱ نفر کشته و ۲ نفر زخمی شدند. پیشمرگان پس از انجام عملیات سالم به پایگاه خود بازگشتند.

این روزها پاسداران و جانشینان به منظور غارت روضه و غنای مزرعه و شازل مردم را با زور می کنند. در یک بازرسی در منطقه تقبیر نشین " حاجی آوا " از هرسکته کشته می شود در هر خانه یک حلب باقی گذاشته و قفسه را خالی می کنند. همچنین مقدار زیادی از روضه و مزرعه را که مردم برای روضه کثیر می گرد می نمودند غارت کردند. از ورود اجناس به دهات همچنان ممانعت بعمل می آید. حمل بیشتر از ۳ کیلوگرم را قذف کرده اند.

همچنین ممانعت خروج مردم از شهر می شود. در همان حال مانع ورود جوب و زغال از روستاها به شهر می گردند.

مدیر شرکت ساختمانی "مساد" که ۱۲۰۰ کارگر دارد بدین رنج کارگران را اخراج میکند. دست قریب ۲۰۰۰ کارگر در سطح شهر سیسپا افزایش یافته است. روزانه حدود ۳۰۰ نفر کارگر در میدان کارگران بیکار می مانند.

در مدارس سلطان عمار و انقلابی را اخراج کرده و بچه های آنها کمانی تحت نام " دختران زینب " و " بچه های حسین " وابسته به رژیم را بکارگذاشته اند. این کارها تا وقت جدید دانش آموزان روبرو گردیده و در بسیاری از مدارس با این معلمین بطور رورسره در مدارس جریان دارد. این اعمال تنفر و کینه مردم نسبت به رژیم روز بروز افزایش می دهد.

کامیابان

● ۵۹/۷/۱۵ - در ساعت ۶ صبح این روز عده زیادی ارتشیان پاسداران با طرف روستای "الک" حرکت کردند و در مسیر خود روستاهای "تیانه" و "سراوکام" را مورد حمله قرار دادند که با مقاومت پیشمرگان کومله (پل شهید حمید) و دیگر کرات روبرو شدند. در ساعت اول درگیری تعدادی از آنها کشته و زخمی شدند و یک اتومبیل سیمرغ که یک قبضه کالیبر ۵ روی آن کار گذاشته شده بود از کار افتاد بعد از مدتی نیروهای ککی از کامیاران کمک آنها آمدند. در ساعت ۲ بعد از ظهر نیروی دشمن به ۱۴ اتومبیل (خود روارتشی و سیمرغ)

و دو تانک و یک نفر بر رسید بهود نیروهای اعزامی ککی به محل درگیری در مسیر خود عده زیادی از اهالی روستاهای "کومنگ" و "الک" را به زور جلواند اخترا خود بد نیال آنها بطرف میدان نبرد پیشروی کردند بدین طریق توانستند خود را به روستاهای "تیانه" و "سراوکام" برسانند. در درگیریهای این روز در روستای "الک" یک نفر شهید و چهار نفر زخمی شدند. در روستای "سراوکام" نیز یک زن زخمی شد. نیروهای دشمن به روستای "تیانه" وارد شده و سه خانه را با تمام وسایل آن به آتش کشیدند.

ارتشیان پاسداران و جانشینان ساعت ۵ بعد از ظهر بعد از دستگیری عده زیادی از اهالی روستاهای "الک" و "تیانه" بطرف کامیاران عقب نشینی کردند. طبق اخبار رسیده ۸ نفر از نیروهای سرکوبگر کشته و عده زیادی زخمی شده اند.

در این درگیریها هیچ گونه تلفاتی به پیشمرگان نرسید و سالم به پایگاه های خود بازگشتند.

● ۵۹/۷/۱۲ - در این روز یک دسته از پیشمرگان کومله (پل شهید برسم در جاده "موجش" بین موجش و توبیل "هواساوا" کمین کردند که در ساعت ۱۱ صبح یک اتومبیل لندر و دو حامل ارتشی پاسدار که قبلاً شناسائی شده بودند یکمین پیشمرگان افتاد که در نرس ارتشیشان آن کشته و سه نفر دیگر به اسامی: ۱- پداله حداد مطلق و ۲- علی محمد بیان پاسدارانسی

که تحت عنوان خدمت در آموزش و پرورش در کشتار مردم منطقه کامیاران شرکت داشتند ۳- گروهیان محمد یوسف باری بان دستگیر شدند.

● ۵۹/۷/۱۵ - در ساعت ۴/۵ بعد از ظهر این روز ارتشیان پاسداران مستقر در پایگاه "هملوشان" - روستای "نجف آباد" راه مدت یک ساعت خمپاره باران کردند. در این خمپاره باران یک زن زخمی شده و به چندین خانه روستائیان خساراتی وارد آمد.

اهالی این روستا از روحیه عالی و انقلابی برخوردار بودند و بعد از تمام خمپاره باران شروع به بازسازی خانه های خسارت دیده کردند و این جریان کینه و نفرت آنها نسبت به دشمنان طبقاتیشان بیشتر کرد.

اورامان نورش

● ۵۹/۷/۱۱ - در این روز ارتشیان پاسداران در جانشینان مستقر در "گرد نکرش" و نزدیکی روستای "ورا" از طرف اطراف نود شهر را خمپاره باران کردند. در این خمپاره باران یک دختر شهید و سه نفر دیگر زخمی شدند و خسارات زیادی به باغات اطراف وارد آمد.